

شکوفایی حیات معنوی



هجرت امام رضا(ع) در اوایل قرن دوم به ایران همانند سایر هجرت‌های تاریخی دارای پیامدهای مهم و تأثیرگذار، هم در قوام مکتب اهل بیت(ع) و اسلام و گسترش فرهنگ تشیع در ایران و هم در قوام هویت ایرانی و استمرار آن در گستره تاریخ تا به امروز بوده است.

تحلیلی بر هجرت امام رضا (ع) به ایران شکوفایی حیات معنوی

جلیل عرفان منش: هجرت امام رضا(ع) در اوایل قرن دوم به ایران همانند سایر هجرت‌های تاریخی دارای پیامدهای مهم و تأثیرگذار، هم در قوام مکتب اهل بیت(ع) و اسلام و گسترش فرهنگ تشیع در ایران و هم در قوام هویت ایرانی و استمرار آن در گستره تاریخ تا به امروز بوده است.

به گونه‌ای که می‌توان به جرأت گفت ما ایرانیان حیات معنوی و فکری خود را وامدار این هجرت و پیامدهای آن هستیم. همانگونه که می‌دانید ما مردم ایران قبل از اسلام ملتی موحد و متمدن بودیم و در میان سایر ملل باستان، ایرانیان به یگانه‌پرستی شهرت داشتند. با ورود اسلام به ایران، ایرانیان هوشمندانه اسلام را پذیرفتند اما مانند برخی ملت‌ها شناسنامه و هویت خود را عوض نکردند. پذیرش اسلام در ایران یکباره رخ نداد و تدریجی بود. این فرصتی بود برای انتقال فرهنگ و تمدن ایران به جهان اسلام که اوج آن در قرون سوم و چهارم آشکار شد؛ یعنی زمانی که ایران مبدل به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تمدن اسلام شد.

این نکته حائز اهمیت است که عنصر ایرانی با حفظ هویت خود اسلام را پذیرفت و خدمات شایانی به تمدن اسلام کرد، به گونه‌ای که تمدن نوپای اسلام بر درخت کهنسال تمدن ایرانی جوانه زد. اسلام اگرچه به زبان عربی وارد ایران شد ولی با زبان فارسی گسترش یافت. زبان فارسی، زبان دوم جهان اسلام است و زبان اول عرفان. این نشان می‌دهد که عنصر ایرانی چگونه هویت مذهبی خود را با هویت ملی به ویژه شاخصه مهم هویتی آن، یعنی زبان فارسی درآمیخت. قبل از هجرت امام رضا(ع) به ایران، در برخی مناطق ایران، تشیع به صورت کانون‌های قوی و مستحکم وجود داشت. از جمله قم، ری، طبرستان و خراسان که به دلیل دور بودن از پایتخت خلافت عباسی (بغداد)، مرکز علویان و مخالفان حکومت اموی و عباسی بودند. خاستگاه اولیه تشیع، ایران نبود بلکه در عصر رسول اکرم(ص) هسته اولیه آن به عنوان پیروان حضرت علی(ع) و معتقدان به امامت و خلافت ایشان از طریق نص بودن پایه‌گذاری شد. بنابراین برخلاف برخی از گفته‌های بی‌پایه که ایرانیان مبدع تشیع بوده‌اند، باید گفت که پیدایی تشیع هیچ ارتباطی با کنش یا واکنش روح ایرانی ندارد اما توسعه و استمرار تشیع و حفظ مکتب اهل بیت(ع) با عنصر ایرانی و ایرانیان بستگی تام دارد.

تشیع از نظر جغرافیایی از مدینه آغاز شد اما در ایران گسترش یافت و ایران را مبدل به کانون بزرگ تشیع و دوستداران اهل بیت(ع) در جهان اسلام کرد. علاقه ایرانیان به اهل بیت(ع) از صدر اسلام مثال‌زدنی است، حتی میان اهل سنت ایرانی، عشق و علاقه به اهل بیت(ع) موج می‌زند. برای نمونه در بیشتر کتاب‌های [#171؛صاح سته](#)؛ از جمله سنن نسایی که کتابی منحصر به فرد درباره خصایص و فضایل امام علی(ع) نوشته است، می‌توان این را مشاهده کرد. در همین جا شایسته است برای تجلیل از عنصر فکری و دینی ایرانی اشاره کنم که بیشتر نویسندگان صحاح سته از جمله صحیح بخاری، سنن ابو داوود سجستانی، سنن ابن ماجه و سنن نسایی و ترمذی، ایرانی بودند که به ترتیب از نقاطی چون بخارا، سیستان، قزوین و خراسان برخاسته بودند. با توجه به پیشینه‌ای که ذکر شد، باید گفت که عشق بین عنصر ایرانی و اهل بیت(ع)، یکجانبه نبوده است.

همان‌گونه که ایرانیان به اهل بیت(ع) عشق می‌ورزیدند، اهل بیت(ع) نیز ایرانیان را دوست داشتند و نشانه آن را در مسیر هجرت امام رضا(ع) از مدینه به مرو می‌توان مشاهده کرد. استقبال مردم ایران از امام رضا(ع) در نیشابور مثال‌زدنی است. خوشبختانه از ورود امام رضا(ع) به نیشابور گزارش‌های متعددی در منابع و کتاب‌های تاریخی به چشم می‌خورد و در میان قدمگاه‌های منسوب به امام رضا(ع) در ایران، قدمگاه نیشابور یکی از معتبرترین قدمگاه‌های بازمانده از ایشان است. امام رضا(ع) هنگامی که حدیث [#171؛سلسله‌الذهب](#) را در نیشابور بیان کردند، بیش از هزار نفر آن را مکتوب و سپس منتشر ساختند. با ورود امام رضا(ع) به خراسان بزرگ و پایگاه فرهنگی آن روز جهان اسلام، یعنی مرو، تحول چشمگیری در گسترش فرهنگ تشیع و اهل بیت(ع) در ایران شکل گرفت و امام رضا(ع) با پذیرش هوشمندانه ولایتعهدی مأمون خلیفه عباسی توانست مکتب تشیع را در لایه‌های پنهان و آشکار جامعه ایرانی نفوذ دهد. تشکیل جلسات مناظره و گفت‌وگوی امام رضا(ع) با دانشمندان سایر ادیان و مکاتب منجر به انتقال فرهنگ اهل بیت(ع) در ایران شد و مظلومیت اهل بیت(ع) برای ایرانیان آشکارتر شد.

پس از هجرت امام رضا(ع) به ایران مهاجرت‌های گسترده‌ای از سوی سادات و علویان به ایران صورت گرفت که از جمله آنها می‌توان به هجرت گسترده سادات علوی به رهبری احمد بن موسی کاظم و برادرانش حسین و محمد، اشاره کرد. در کتاب‌های تاریخی تعداد

همراهان و امامزادگان با ایشان را بیش از 3500 تا 7 هزار نفر ذکر کرده‌اند. برخی از امامزادگان ایالت فارس و استان‌های همجوار از پراکنده شدگان این هجرتند که توسط مامون و لشکریانش، به شهادت رسیدند. همچنین باید به هجرت حضرت فاطمه معصومه (س) به ایران که پس از ورود امام رضا (ع) به مرو انجام شد - که شرح آن در منابع تاریخی آمده است- اشاره کرد. این هجرت‌ها باعث گسترش تشیع و دوام آن در ایران شد، به گونه‌ای که ما بعدها شاهد تشکیل حکومت‌های شیعی توسط سادات و علویان در طبرستان بودیم و حکومت‌هایی چون آل بویه، سربداران و مرعشیان توانستند زمینه‌های آشنایی بسیاری از ایرانیان با فرهنگ اهل بیت (ع) را فراهم سازند و از طرفی هم سبب گسترش روزافزون آیین تشیع در میان ایرانیان شدند. ناگفته نماند که ایرانیان مسلمان، به‌ویژه شیعیان و دوستداران اهل بیت (ع) خدمات بسیاری به فرهنگ و تمدن ایران و اسلام کردند.

این نکته را در پایان اضافه کنم که مؤلفان 4 کتاب اصلی شیعه که به کتاب‌های چهارگانه شهرت دارند همگی ایرانی هستند، مانند محمد بن یعقوب کلینی (درگذشته به سال 329 ه.ق) صاحب اصول کافی، از قریه کلین شهرری بود و محمد بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، مؤلف کتاب 171#& من لایحضر الفقیه؛ از اهالی قم بوده است. نیز ابوجعفر شیخ طوسی (385-460 ه.ق) معروف به شیخ الطائفه امامیه، مؤلف 2 کتاب گرانسنگ 171#& تهذیب الاحکام؛ و 171#& استبصار؛ ، از اهالی طوس خراسان بود. برای ما ایرانیان باعث بسی افتخار است که بسیاری از بزرگان و دانشمندان جهان اسلام ایرانی هستند. شاید به جرأت بتوان گفت که اگر اسلام به ایران وارد نمی‌شد، دامنه جهانی نمی‌یافت و نقش ایرانیان در گسترش اسلام و فرهنگ اهل بیت (ع) در طول تاریخ مثلاًزدنی است. بنابر این، ورود امام رضا (ع) به ایران، بر حیات معنوی ما ایرانیان تأثیر شگرفی گذاشت و ایران را مبدل به کانون تشیع و معارف اهل بیت (ع) در جهان کرد.